

# زمامداران در حکومت اسلامی

حجت الاسلام بحیسی سلطانی

قسمت سوم



## رابطه زمامداران با مردم

و با مردم جوشیدن زمامداران در حکومت اسلامی روشن می گردد.

در شرایط فعلی کشور به دو علت زمامداران نمی توانند درب خانه و یا اداره کار خود را به روی همه مردم باز بگذارند. علت اول مسئله کثرت و تراکم جمعیت است. اگر قرار باشد همه مردم بتوانند با آزادی وارد هر اداره ای یا هر خانه ای از خانه های مسئولین بشوند همه اوقات آنها گرفته می شود و به کارهای خود نمی رسند. علت دوم، مسئله تدابیر امنیتی است که با شرایط فعلی تأمین امنیت برای مسئولین با آزادی کامل ملاقاتها مقدور نمی باشد. بنابراین این باید تدابیری اندیشید و برنامه را بگونه ای تنظیم کرد که با رعایت جهات فوق، رابطه مسئولین با مردم قطع نباشد و زمامداران از آنچه در جامعه می گذرد مطلع باشند. برای تحقق بخشیدن به این امر، انجام دو برنامه دقیق و منظم برای زمامداران لازم و ضروری است.

برنامه اول - ترتیب ملاقاتهای عمومی و برنامه دوم - انتخاب مشاور از بین مردم

از جانب تو برای مردم پیغام رسانی باشد مگر زبانت و نباید بین تو و مردم پرده داری باشد مگر صورتت (یعنی باید بدون واسطه با مردم مستقیماً در تماس باشی و شخصاً با آنها گفتگو نمائی) و هرگز از نیازمندی که بخواهد تو را ملاقات کند و نیاز خود را بگوید دوری مکن و بین خودت و نیازمندان حجایی بوجود نیاور.

اولین بار که نیازمندی به خانه تو آمد اگر او را رد نمودی و نیاز او را برطرف نکردی، او دیگر (رنجیده شده) و تو (در نظر او) پسندیده نخواهی بود (و درخور ستایش نیستی) اگر چه در آینده حاجت او را بر آوری.

«اقا بعد، فأقم للناس الحج، و ذكرهم بابام الله، واجلس لهم العصرين، فأفت المستفتي وعلم الجاهل وذاكر العالم. ولا يكن لك الى الناس سفير الا لسانك ولا حاجب الا وجهك ولا تحجبن ذا حاجة عن لغاتك بها فأنها ان زبدت عن ابوابك في اول وردها لم تحمد فيما بعد على قضائها».

از این نامه شریف، اهمیت مردمی بودن

قبلاً یادآور شدیم که مؤمنان باید با یکدیگر کاملاً در ارتباط باشند تا بتوانند از حال یکدیگر مطلع گردند و هیچ مؤمنی نباید بین خود و دیگران حجایی بوجود آورد و چون زمامداران بیشتر مورد مراجعه مردم هستند و بیشتر نیازهای مردم بدست آنها برآورده می شود روی مسأله نبودن حجاب بین آنها و مردم بیشتر تکیه شده و توصیه شده است که آنها باید با ملت در ارتباط کامل باشند.

در نهج البلاغه از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده که آن حضرت در نامه ای که به قشمن بن عباس فرماندار مکه نوشته و او را به اهمیت وظیفه خود در مراسم حج تنبه داده، چنین فرموده است: حج را برای مردم بیادار (کارهای حج را زیر نظر داشته باش و تا می توانی وسایل تسهیل انجام آن را برای حاجیان آماده کن) ایام الله را برای آنها یاد آوری کن. صبح و عصر با آنها نشست داشته باش، پاسخ سؤال کنندگان را بگو و نادانان را بیاموز و با علما گفتگو کن. نباید



## ضرورت ملاقاتهای عمومی:

برای اینکه زمامدار بتواند با دردهای مردم آشنا شود نباید اختیار ورود مردم به خانه او و ملاقات های نیازمندان با او در دست افراد خاصی باشد زیرا اگر افراد خاصی او را احاطه کرده باشند معمولاً آنها کسانی را که خودشان مایل باشند به ملاقات راه می دهند و از ملاقات دیگران که اغلب آنها نیازمندان و صاحبان درد هستند جلوگیری می شود، در این صورت زمامدار به اصطلاح امروزها - کاناایزه می شود و بسیاری از مطالب بر او مجهول می ماند، اینکه در بعضی از روایات آمده است که مسئولین نباید دربان داشته باشند به آن معنی نیست که محافظ نداشته باشند بلکه به این معنی است که نباید خانه آنها مشغول خاصی داشته باشد. اگر بخواهند در شرایط فعلی، مسئله حفاظت عملی گردد و کثرت جمعیت مزاحمتی ایجاد نکند و در عین حال مردم بتوانند حرفهای خود را بزنند، بهترین راه این است که مسئولین محترم هر چند روزی یک مرتبه در ساعت های معین ملاقات عمومی داشته باشند تا همه اقشار بتوانند خود را به آنها برسانند و باید در ملاقات های عمومی به مردم آزادی کامل داده شود تا بتوانند حرفهای خود را بزنند. امیرالمؤمنین «ع» عیناً همین دستور را به مالک اشتر داده است.

در عهد نامه معروف از آن حضرت نقل شده که می فرماید: (ای مالک) قسمتی از وقت خود را مخصوص افرادی قرار بده که دست نیاز به سوی تو دارند و فارغ از کارهای دیگر خود را برای رسیدگی به نیاز آنها آماده نما. برای خدائی که تو را آفریده تواضع کن و در مجلس عمومی بنشین و سربازان و مأمورین محافظ و دربانان را از جلوگیری مردم بازرار تا گوینده آنها بدون وحشت و لگنت زبان سخنان خود را بگوید. زیرا من

از رسول خدا در موارد متعدد شنیدم که می فرمود: در امتی که بدون ترس و لگنت زبان حق ضعیف از قوی گرفته نگردد آن امت پیراسته و بدون عیب نخواهد بود. درشتی و خشونت و سخنان نادرست آنها را تحمل کن و تنگ نظری و خوی خودپسندی در مقابل مردم نداشته باش (تا سخنان آنها بر تو گران نیاید و از آنها غضبناک نگردی).

«واجعل لیلوی الحاجات منک فمساء تقرغ لهم فیه شخصک و تجلس لهم مجلساً عاقلاً فتشواضع فیه لله الذی خلقک و تقعد عنهم جندک و اعوانک من احرامک و شرطک حتی یکتلمک متکلمهم غیر متعج فاتی سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یقول فی غیر موطن: «لن یفقدس امة لا یؤخذ للضعیف فیها حق من القوی غیر متعج. ثم احتل الخرق منهم والعی و یق عنهم الضیق والآنف».

## انتخاب مشاوران بین مردم

برنامه دومی که زمامدار باید داشته باشد تا بتواند از آنچه در اجتماع می گذرد باخبر باشد، انتخاب مشاور از بین مردم است. زمامدار باید مشاورانی داشته باشد که در پیش اجتماع باشند و بهتر است از میان افرادی انتخاب شوند که کارهای دولتی در دست آنها نباشد. اینگونه افراد که معمولاً از بین اصناف مختلف انتخاب می شوند چون در متن جامعه زندگی می کنند از چگونگی قضاوت عمومی در مورد کارهای حکومت اطلاع دارند و اگر صداقت و درستی و ایمان کافی در آنها باشد غالباً خیرخواهانه صحبت می کنند و از تملق گوئیها اجتناب می نمایند. زمامدار می تواند از طریق این افراد، اطلاع صحیح و دقیق بدست بیاورد و علاوه بر این، برای اداره صحیح حکومت، مشورت با صاحب نظران لازم است زیرا فکر واحد معمولاً نمی تواند تحلیلهای صد درصد صحیحی داشته باشد و از خطا و اشتباه به دور باشد ولی هنگامی که فکرها و

اندیشه ها به یکدیگر ضمیمه شد نتیجه بهتری بدست می دهد و احتمال خطای آن بسیار کم می گردد. از این جهت اسلام روی اصل مشورت تکیه می کند و قرآن مجید مشاوره در امور را یکی از صفات قابل ستایش برای مؤمنان می شمارد. (سوره شوری آیه ۳۷).

ما در مقالات مربوط به بحث انتخابات، درباره قانون شوری مفصلاً بحث نمودیم، در اینجا آنرا تکرار نمی کنیم. نکته ای که لازم به یادآوری است این است که مشورت نمودن با مردم در رابطه با تصمیم گیریهایی که به زندگی آنها مربوط می گردد، علاوه بر اینکه راهگشای مهمی برای مشورت کننده است، یک نوع احترامی به افکار و اندیشه مردم نیز می باشد. و این امر موجب می گردد که آنها را دلگرم کند و از حکومت حمایت نمایند و چون تصمیم ها با مشورت آنها گرفته شده و آنرا تصمیم خودشان می دانند حمایت از آنها نیز بر خود لازم می دانند. ارزش قابل شدن برای مردم و بها دادن و شخصیت دادن به آنها، دلهای آنها را از حقد ها و کینه ها پاک می گرداند و آنها را جذب صحنه سیاست می نماید.

## مشورت های رسول

### خدا «ص»

به طوری که از تاریخ اسلام استفاده می شود، رسول خدا «ص» در موارد زیادی مخصوصاً در مسائل جنگی با اصحاب مشورت می کردند. از جمله مواردی که تاریخ مشورت آن حضرت را ثبت نموده واقعه جنگ احد است. نیروی قریش که آماده ضربه زدن به اسلام و مسلمانان بود. روز پنجشنبه پنجم شوال سال سوم هجرت در دامنه کوه احد پیاده شد. رسول خدا «ص» آن روز و روز جمعه را در مدینه ماندند و روز جمعه شورای نظامی تشکیل دادند و در نحوه دفاع از افسران و صاحب نظران



نظرخواهی فرمودند و در انجمن بزرگی که عده‌ای از سربازان و افسران حضور داشتند فرمودند: «اشيرو الي» نظرهاي خود را براي من بگوئيد، و سرانجام نتیجه مشورت این بود که ارتش اسلام از شهر بیرون روند و با کفار وارد جنگ شوند. نتیجه این مشورت، بسیار مطلوب بود. لشکر اسلام در پناه کوه احد طوری سنگر گرفت که بر دشمن مسلط باشد و در پشت جبهه نیروی حفاظت مستقر نمود که دشمن نتواند از پشت به آنها حمله نماید، این نقشه از لحاظ فنون رزمی متناسب با آن زمان، بسیار دقیق و حساب شده بود و لذا مسلمانان در آغاز پیروز شدند و لشکر دشمن رو به هزیمت نهاد ولی بر اثر اشتباه عده‌ای از محافظین پشت جبهه که پست حفاظتی خود را رها کردند، دشمن از فرصت استفاده نمود و از پشت سر حمله کرد و مسلمانان را شکست داد.

### مشورت برای جذب افراد

در اینجا از آیات سوره آل عمران استفاده می شود که مسلمانان فرار می کردند و برای حفظ جان خود از کوه بالا می رفتند و هر چه رسول خدا آنها را صدا می زد گوش نمی دادند و همواره به فکر بودند که چگونه جان خود را از مهلکه نجات دهند.

«وَإِذْ نَعُودُونَ وَلَا تَلَوْنَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالرُّسُولِ يَدْعُوكُمْ فِي أُخْرٰكُمْ» (آیه ۱۵۲) با عنایات خداوند رسول خدا از خطر محفوظ ماند و لشکر کفار که مطمئن بودند آن حضرت کشته شده از مدینه به قصد مکه عزیمت نمودند.

از آیه ۱۵۴ - آل عمران استفاده می شود که خداوند این گناه مسلمانان فراری را که ناشی از اغوای شیطان بوده، مورد عفو قرار داده است.

و از آیه ۱۵۹ سوره آل عمران استفاده می شود که رسول خدا نیز برای جذب آنها با رحمت و مهربانی رفتار نموده و خداوند رفتار آن حضرت را ستوده و تأکید فرموده که

پیامبر «ص» آنها را مورد عفو قرار دهد و برای آنها طلب آموزش نماید و بدنبال این دستور خداوند می فرماید: با اینها (یعنی با همین مسلمانانی که بعضی از آنها را شیطان فریب داد و فرار نمودند و اکنون پشیمان شده اند) در کار مشورت نما.

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعِثْ مَنَّهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ سَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ».

از دلالت سیاق آیه - که خداوند حالت نرمش پیغمبر را که در جهت جذب مسلمانان مؤثر بوده می ستاید و به او دستور عفو و اغماض می دهد و بدنبال آن می فرماید آنها را مورد مشورت قرار بده. استفاده می شود که این مشورت نیز به علت اینکه به مسلمانان شخصیت و بها می دهد و موجب جذب بیشتر آنها می گردد مورد عنایت خداوند بوده است و شاید مهمترین فلسفه مشورت نمودن رسول خدا که خود عقل کل بوده و در باطن نیازی به مشورت نداشته، همین امر می باشد.

### ویژگیهای مشاورین

زاممدار اسلامی باید در انتخاب مشاور دقت داشته باشد و افرادی را از بین سیاستمداران ورزیده و مؤمن انتخاب کند که او را در اداره امور بیاری دهند و همیشه خیرخواهانه با او برخورد نمایند. افرادی متعهد و دلسوز باشند و رأی و نظر آنها فقط برای خدا و اسلام و حفظ حکومت اسلامی باشد، آنها را خوب آزمایش کند و با دقت کامل انتخاب نماید.

امیرالمؤمنین علی «ع» و ویژگیهای وزیران و مشاوران را برای مالک اشتر شرح می دهد. از مجموع ویژگیهایی که امام «ع» فرموده اند استفاده می شود که باید مسلمانان مؤمن و متعهد و دور از طمع و آزاد مرد باشد، بگونه ای که از گفتن حق پروا نداشته باشد. خلق های فاسدی که او را وادار به موضع گیریهای خاصی می کند در

او نباشد. زمامدار، مسئول دارائی مردم و باید برای رشد اقتصادی کشور بکوشد و بینوایان را دستگیری کند. مشاور او بخیل و خسیس باشد زیرا بخیل او بخشش و عطا بازمی دارد. دین خدا و اسلامی دشمنانی دارد که علیه حکومت او توطئه می کنند و گاهی جنگی را بر او تحمیل می نمایند، مشاور نباید ترسو و زبیرا او زمامدار را از مقابله با دشمن می ترساند.

مشاوران و یاران نزدیک زمامدار نباید بین افرادی انتخاب شوند که از حاشیه نشینان و یاران نزدیک ستماکاران بوده زیرا آنها غالباً افرادی بوده اند که بر کسب قدرت و مکتت اطراف زمامدار ظالم جمع می شدند و آنها را در ستما کمک می کرده اند. اینگونه افراد انگیزه غیر از اغراض نفسانی ندارند و همین می خواهند از قدرت حکومت به نفع اغراض پلید خود استفاده کنند. مطا بسیار جالب و مهمی که از سخنان امام استفاده می شود این است که امام «ع» سفارش می فرماید: باید افرادی که حق می گویند و زمامداران را در کارهای خلاق تأیید نمی کنند بهتر مورد عنایت باشند و استفاده می شود که باید زمامداران سفارش کنند که حاشیه نشینان آنها را بیش از مداحی نکنند و اگر اینگونه نباشد ممکن است یاران و نزدیکان زمامدار کم حالت آزادی را از دست بدهند و به صورت افرادی متعلق و چاپلوس در آیند و بر او خوش آیند حاکم سخن بگویند به طوری معروف است در زمان شاه معدوم با این مملکت بحرانی بود، یاران نزدیک او همواره می گفتند خاطر همایونی آسوده باشد مملکت آرام است شما بر اوضاع مسلط هستید!! و در زمان بنی صدر یاران او مأمور سنجش افکار بودند همیشه به می گفتند قلب ملت در عشق تومی نهد!! روحانیت در جامعه جای پائی ندارد! اینگونه افراد چاپلوس و متعلق جز اینکه



زمامدار را در بی خبری نگاه دارند تا گاهی که او را سرنگون سازند نفی ندارند.

## رابطه دوستانه بین زمامداران و مردم

یکی از چیزهایی که جامعه را منجم می سازد و عامل مؤثری برای بهسازی همزیستی ها می باشد، محبت و دوستی است. نقش محبت در تحکیم روابط اجتماعی بیش از نقش عدالت است زیرا عدالت فقط می تواند از تضییع حقوق جلوگیری کند ولی در جامعه ایثار و فداکاری به وجود نمی آورد و اگر در جامعه ایثار و فداکاری نباشد روح وحدت حاکم نخواهد بود.

در اسلام سفارش شده است که باید بین زمامداران و مردم، محبت و دوستی برقرار باشد و در دل، یکدیگر را دوست داشته باشند. در عهدنامه مالک اشتر آمده است که امام «ع» می فرماید: ای مالک! دلت را برای زبردستان کانون محبت و لطف و مهربانی قرار بده (آنها را در دل دوست داشته باش و با آنها با مهربانی و لطف و مدارا رفتار کن).

«واشعر قلبك الرحمة للرعية والمحبه لهم و اللطف بهم»

معمولاً دوستی مقامات مافوق نسبت به مادیون، منشأ رفق و مدارا و لطف و مهربانی آنها می گردد و دوستی زبردستان نسبت به مافوق موجب ادب و احترام آنها است و هر گاه طبقه مافوق نسبت به زبردستان لطف و مهربانی داشته باشند طبعاً زبردستان آنها را دوست دارند و در راه آنها ایثار و فداکاری می نمایند.

## عوامل دوستی مردم

محبت و دوستی یکی از چیزهایی است که در دل انسان نسبت به دیگران پدیدار می گردد و حصول آن در دل عوامل خاصی

دارد که بدون وجود آن عوامل پیدا شدن محبت ممکن نیست. محبت با زور و سفارش در دل افراد ایجاد نمی شود. اگر همه مردم سفارش کنند که باید فلان شخص را دوست بداری ممکن نیست علقه محبت ایجاد گردد زیرا محبت که در فارسی به یک مرحله عالی آن دل بستگی گفته می شود، یک نوع بستگی و ارتباطی است بین دل و محبوب و این ارتباط هنگامی به وجود می آید که در محبوب عاملی باشد که دل را به طرف خود جذب کند تا بین آنها ارتباط و بستگی بوجود بیاید.

عواملی که در زمامداران می تواند دل های مردم را به طرف آنها متوجه سازد به این شرح است:

عامل اول - لطف و مدارای آنها نسبت به مردم:

اگر زمامداران نسبت به مردم شفقت و مهربانی داشته باشند و مردم احساس کنند که آنها از روی دلسوزی به کار رعیت رسیدگی می نمایند و نمی خواهند بر آنها حاکم باشند و آنها را مورد استثمار قرار دهند طبعاً آنها را دوست دارند. مطابق نقل عهدنامه مالک اشتر علی «ع» می فرماید: مبادا نسبت به زبردستان مانند درنده خونخواری خوردن آنها را برای خود غنیمت بدانی (با آنها مهربان باش) زیرا آنها (که در قلمرو حکومت تو زندگی می کنند) یا مسلمان و برادر دینی تو هستند و یا مانند تو انسان می باشند (و خواسته های یک انسان در آنها نیز موجود است).

«ولا تكونن عليهم سباً هارياً نقتم اكلهم فانهم صنفان: اقاخ لك في الدين اونظيرلك في الخلق».

عامل دوم - عفو و گذشت:

انسان معمولاً خطا و اشتباه دارد و از لغزش به دور نمی باشد و جز مصومین «ع»

که مورد عنایت پروردگار و در حضرت حق می باشند بقیه از معرض لغزش و خطا قرار دارند. ا عفو و گذشت برداشته شود کار می گردد. زمامدار باید خطا و افراد را مورد عفو قرار دهد مگر در موارد خطا کار به انجام خطا اصرار داشته خطای او برای اسلام خسارت بیاری در عهدنامه آمده است که امام مالک می فرماید: (ای مالک!) از افراد لغزشها فراوان سر می زنی (زیرا آنها هستند و انسان طبعاً در معرض لغزش است) و علتی برای آن می آید (که نمی توانند کارها را به انجام دهند و یا به موجب علتی آنها سر می زنی) و به عمد یا خطا نادرستی را مرتکب می شوند. پس که دوست داری خداوند تو را مورد دهد و از لغزشهای تو صرف نظر کند افراد را مورد عفو قرار بده و از لغزشها نظر کن تو (در نظام سیاسی در مرتبه دیگران قرار گرفته ای و فوق تو و است و خداوند فوق والی (هیچکدام) مایه اش نیستیم. خداوند فوق همه و همه کارها است)... مبادا که از گذشت پشیمان گردی و بر عقوبت شادمان باشی (زیرا شادمانی بر عذر - لامت خشم و خشونت و از خوی است) و هرگاه (بر اثر پیش آمدی) خشم شدی و راهی بر فرونشاندن خشم خود باشی در عقوبت نمودن سرعت بگیر در عفو لذتی است که در انتقام نی

عامل سوم - اجراء عدالت:

مهم ترین عاملی که دل های مردم زمامداران متوجه می سازد، اجراء عدالت است. اگر زمامدار از حق کشی ها جلوگیری نماید و در گسترش عدالت بکوشد، ملت علاقه مند می شوند. ما این مطلب در گذشته توضیح داده ایم که آنرا نمی کنیم.



نظرخواهی فرمودند و در انجمن بزرگی که عده‌ای از سربازان و افسران حضور داشتند فرمودند: «اشيرو الي» نظرهاى خود را برای من بگوئيد، و سرانجام نتیجه مشورت این بود که ارتش اسلام از شهر بیرون روند و با کفار وارد جنگ شوند. نتیجه این مشورت، بسیار مطلوب بود. لشکر اسلام در پناه کوه أحد طوری سنگر گرفت که بر دشمن مسلط باشد و در پشت جبهه نیروی حفاظت مستقر نمود که دشمن نتواند از پشت به آنها حمله نماید، این نقشه از لحاظ فنون رزمی متناسب با آن زمان، بسیار دقیق و حساب شده بود و لذا مسلمانان در آغاز پیروز شدند و لشکر دشمن رو به هزیمت نهاد ولی بر اثر اشتباه عده‌ای از محافظین پشت جبهه که پست حفاظتی خود را رها کردند، دشمن از فرصت استفاده نمود و از پشت سر حمله کرد و مسلمانان را شکست داد.

### مشورت برای جذب افراد

در اینجا از آیات سوره آل عمران استفاده می شود که مسلمانان فرار می کردند و برای حفظ جان خود از کوه بالا می رفتند و هر چه رسول خدا آنها را صدا می زد گوش نمی دادند و همواره به فکر بودند که چگونه جان خود را از مهلکه نجات دهند.

«إِذْ نَعُودُونَ وَلَا تَلَوْنَ عَلَىٰ أَحَدٍ مِنَ الرُّسُلِ يَدْعُوكُمْ فِي أُخْرَيْكُمْ» (آیه ۱۵۲) با عنایات خداوند رسول خدا از خطر محفوظ ماند و لکشر کفار که مطمئن بودند آن حضرت کشته شده از مدینه به قصد مکه عزیمت نمودند.

از آیه ۱۵۴ - آل عمران استفاده می شود که خداوند این گناه مسلمانان فراری را که ناشی از اغوای شیطان بوده، مورد عفو قرار داده است.

و از آیه ۱۵۹ سوره آل عمران استفاده می شود که رسول خدا نیز برای جذب آنها با رحمت و مهربانی رفتار نموده و خداوند رفتار آن حضرت را ستوده و تأکید فرموده که

پیامبر «ص» آنها را مورد عفو قرار دهد و برای آنها طلب آمرزش نماید و بدنبال این دستور خداوند می فرماید: با اینها (یعنی با همین مسلمانانی که بعضی از آنها را شیطان فریب داد و فرار نمودند و اکنون پشیمان شده اند) در کار مشورت نما.

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ».

از دلالت سیاق آیه - که خداوند حالت نرمش پیغمبر را که در جهت جذب مسلمانان مؤثر بوده می ستاید و به او دستور عفو و اغماض می دهد و بدنبال آن می فرماید آنها را مورد مشورت قرار بده. استفاده می شود که این مشورت نیز به علت اینکه به مسلمانان شخصیت و بها می دهد و موجب جذب بیشتر آنها می گردد مورد عنایت خداوند بوده است و شاید مهمترین فلسفه مشورت نمودن رسول خدا که خود عقل کل بوده و در باطن نیازی به مشورت نداشته، همین امر می باشد.

### ویژگیهای مشاورین

زمامدار اسلامی باید در انتخاب مشاور دقت داشته باشد و افرادی را از بین سیاستمداران ورزیده و مؤمن انتخاب کند که او را در اداره امور یاری دهند و همیشه خیرخواهانه بنا او برخورد نمایند. افرادی متمهد و دلسوز باشند و رأی و نظر آنها فقط برای خدا و اسلام و حفظ حکومت اسلامی باشد، آنها را خوب آزمایش کند و با دقت کامل انتخاب نماید.

امیرالمؤمنین علی «ع» و ویژگیهای وزیران و مشاوران را برای مالک اشتر شرح می دهد. از مجموع ویژگیهایی که امام «ع» فرموده اند استفاده می شود که باید مسلمانی مؤمن و متمهد و دور از طمع و آزاد مرد باشد، بگونه ای که از گفتن حق پروا نداشته باشد. خلق های فاسدی که او را وادار به موضع گیریهای خاصی می کند در

او نباشد. زمامدار مسئول دارائی مردم است و باید برای رشد اقتصادی کشور بکوشد و بسنویان را دستگیری کند. مشاور او نباید بخیل و خسیس باشد زیرا بخیل او را از بخشش و عطا بازمی دارد. دین خدا و کشور اسلامی دشمنانی دارد که علیه حکومت توطئه می کنند و گاهی جنگی را بر ملت تحمیل می نمایند، مشاور نباید ترسو باشد زیرا او زمامدار را از مقابله با دشمن می ترساند.

مشاوران و یاران نزدیک زمامدار نباید از بین افرادی انتخاب شوند که از حاشیه نشینان و یاران نزدیک ستمکاران بوده اند زیرا آنها غالباً افرادی بوده اند که برای کسب قدرت و مکتت اطراف زمامداران ظالم جمع می شدند و آنها را در ستمکاری کمک می کرده اند. اینگونه افراد انگیزه‌ای غیر از اغراض نفسانی ندارند و همیشه می خواهند از قدرت حکومت به نفع اغراض پلید خود استفاده کنند. مطلب بسیار جالب و مهمی که از سخنان امام «ع» استفاده می شود این است که امام «ع» سفارش می فرماید: باید افرادی که حق را می گویند و زمامداران را در کارهای خلاف تأیید نمی کنند بهتر مورد عنایت باشند و نیز استفاده می شود که باید زمامداران سفارش کنند که حاشیه نشینان آنها را پیش از حد مداخلی نکنند و اگر اینگونه نباشد ممکن است یاران و نزدیکان زمامدار کم کم حالت آزادی را از دست بدهند و به صورت افرادی متملق و چاپلوس در آیند و برای خوش آیند حاکم سخن بگویند به طوری که معروف است در زمان شاه معدوم با اینکه مملکت بحرانی بود، یاران نزدیک او همواره می گفتند خاطر همایونی آسوده باشد مملکت آرام است شما بر اوضاع مسلط هستید!! و در زمان بنی صدر یاران او که مأمور سنجش افکار بودند همیشه به او می گفتند قلب ملت در عشق تومی تپد!! و روحانیت در جامعه جای پائی ندارد!! اینگونه افراد چاپلوس و متملق جز اینکه



زمامدار را در بی خبری نگاه دارند تا گاهی که او را سرنگون سازند نفی ندارند.

## رابطه دوستانه بین زمامداران

### و مردم

یکی از چیزهایی که جامعه را منجم می سازد و عامل موثری برای بهسازی همزیستی ها می باشد، محبت و دوستی است. نقش محبت در تحکیم روابط اجتماعی بیش از نقش عدالت است زیرا عدالت فقط می تواند از تضییع حقوق جلوگیری کند ولی در جامعه ایشار و فداکاری به وجود نمی آورد و اگر در جامعه ایشار و فداکاری نباشد روح وحدت حاکم نخواهد بود.

در اسلام سفارش شده است که باید بین زمامداران و مردم، محبت و دوستی برقرار باشد و در دل، یکدیگر را دوست داشته باشند. در عهدنامه مالک اشتر آمده است که امام «ع» می فرماید: ای مالک! دلت را برای زیردستان کانون محبت و لطف و مهربانی قرار بده (آنها را در دل دوست داشته باش و با آنها با مهربانی و لطف و مدارا رفتار کن).

«واشعر قلبك الرحمة للرحمة والمحبة لهم و اللطف بهم»

معمولاً دوستی مقامات مافوق نسبت به مادون، منشأ رفق و مدارا و لطف و مهربانی آنها می گردد و دوستی زیردستان نسبت به مافوق موجب ادب و احترام آنها است و هر گاه طبقه مافوق نسبت به زیردستان لطف و مهربانی داشته باشند طبعاً زیردستان آنها را دوست دارند و در راه آنها ایشار و فداکاری می نمایند.

### عوامل دوستی مردم

محبت و دوستی یکی از چیزهایی است که در دل انسان نسبت به دیگران پدیدار می گردد و حصول آن در دل عوامل خاصی

دارد که بدون وجود آن عوامل پیدا شدن محبت ممکن نیست. محبت با زور و سفارش در دل افراد ایجاد نمی شود. اگر همه مردم سفارش کنند که باید فلان شخص را دوست بداری ممکن نیست علقه محبت ایجاد گردد زیرا محبت که در فارسی به یک مرحله عالی آن دلبنگی گفته می شود، یک نوع بستگی و ارتباطی است بین دل و محبوب و این ارتباط هنگامی به وجود می آید که در محبوب عاملی باشد که دل را به طرف خود جذب کند تا بین آنها ارتباط و بستگی بوجود بیاید.

عواملی که در زمامداران می تواند دل های مردم را به طرف آنها متوجه سازد به این شرح است:

عامل اول - لطف و مدارای آنها نسبت به مردم:

اگر زمامداران نسبت به مردم شفقت و مهربانی داشته باشند و مردم احساس کنند که آنها از روی دلسوزی به کار رعیت رسیدگی می نمایند و نمی خواهند بر آنها حاکم باشند و آنها را مورد استعمار قرار دهند طبعاً آنها را دوست دارند. مطابق نقل عهدنامه مالک اشتر علی «ع» می فرماید:

مبادا نسبت به زیردستان مانند درنده خونخواری خوردن آنها را برای خود شقیمت بدانی (با آنها مهربان باش) زیرا آنها (که در قلمرو حکومت تو زندگی می کنند) یا مسلمان و برادر دینی تو هستند و یا مانند تو انسان می باشند (و خواسته های یک انسان در آنها نیز موجود است).

«ولا تکرهنّ علیهم سبأً هارباً نغتمن اکلهم فانهم صنفان: اقاخ لك في الدين اونظير لك في الخلق».

### عامل دوم - عفو و گذشت:

انسان معمولاً خطا و اشتباه دارد و از لغزش به دور نمی باشد و جز معصومین «ع»

که مورد عنایت پروردگار و در صیانت حضرت حق می باشند بقیه انسانها در معرض لغزش و خطا قرار دارند. اگر مسئله عفو و گذشت برداشته شود کارها مشکل می گردد. زمامدار باید خطا و لغزشهای افراد را مورد عفو قرار دهد مگر در مواردی که خطا کار به انجام خطا اصرار داشته باشد و خطای او برای اسلام خسارت بیاریاورد.

در عهدنامه آمده است که امام «ع» به مالک می فرماید: (ای مالک!) از افراد ملت لغزشها فراوان سر می زند (زیرا آنها انسان هستند و انسان طبعاً در معرض اشتباه و لغزش است) و علتی برای آنها پیش می آید (که نمی توانند کارها را به درستی انجام دهند و یا به موجب علتی لغزش از آنها سر می زند) و به عمد یا خطا کارهای نادرستی را مرتکب می شوند. پس همانگونه که دوست داری خداوند تو را مورد عفو قرار دهد و از لغزشهای تو صرف نظر کند تو نیز افراد را مورد عفو قرار بده و از لغزشها صرف نظر کن (در نظام سیاسی در رتبه) فوق دیگران قرار گرفته ای و فوق توالی امر است و خداوند فوق والی (هیچکدام فعال مایشاء نیستیم. خداوند فوق همه و ناظر بر همه کارها است)... مبادا که از عفو و گذشت پشیمان گردی و بر عقوبت نمودن شادمان باشی (زیرا شادمانی بر عقوبت - لامت خشم و خشونت و از خوی سبیت است) و هرگاه (بر اثر پیش آمدی) خشمگین شدی و راهی بر فرونشاندن خشم خود داشته باشی در عقوبت نمودن سرعت مگیر (زیرا در عفو لذتی است که در انتقام نیست)

### عامل سوم - اجراء عدالت:

مهم ترین عاملی که دل های مردم را به زمامداران متوجه می سازد، اجراء عدالت است. اگر زمامدار از حق کشی ها جلوگیری نماید و در گسترش عدالت بکوشد، ملت به او علاقه مند می شوند. ما این مطلب را در گذشته توضیح داده ایم که آنرا تکرار نمی کنیم.